

## بررسی موضوعی برخی از فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا در زمینه

### پیشگیری از جرم (با رویکرد صیانت از کارکنان ناجا)

جواد عارفی‌نیا<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۵

از صفحه ۱۶۳ تا ۱۹۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۲۰

#### چکیده

با عنایت به اهمیت و جایگاه پیشگیری در تدابیر و فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در راستای جلوگیری از بروز جرائم توسط کارکنان، جهت اجرای بهینه و مطلوب این تدابیر و فرمایشات و وظایف و مأموریت‌های محوله، لزوم بسترسازی مناسب برای ارتقای شرایط موجود، در راستای صیانت از کارکنان و سازمان نیروی انتظامی، لازم و ضروری است و نیاز به واکاوی، به‌روزرسانی، ایجاد و ارتقای سازوکارهای لازم و بهره‌برداری بهینه از دستاوردهای آن، به‌منظور تحقق اهداف پیشگیرانه را طلب می‌نماید.

تهیه و تدوین مقاله حاضر با هدف بررسی موضوعی تدابیر و فرمان‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از جرم به‌منظور تحقق اهداف صیانتی انجام شده است و به‌دنبال پاسخ‌دهی به این سؤال است که؛ راه‌کارهای اجرایی نمودن فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تخلف با هدف صیانت از کارکنان ناجا کدام‌اند؟ و به این منظور، با مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی، بررسی سوابق، بررسی اقدام‌های پیشگیرانه و در نهایت نتایج حاصل از آن‌ها بر ایجاد و استقرار امنیت پایدار در ناجا انجام شده است.

نتایج حاصل از پژوهش انجام شده حاکی از؛ ضرورت ترویج هرچه بیشتر عدالت، نظارت و مراقبت، روح تقوا و ایجاد فرهنگ خودپایی و خودحفاظتی در بین آحاد کارکنان و اقدام سازمانی- مدیریتی در راستای تقویت هرچه بیشتر اقدام‌های پیشگیرانه، برای ارتقای سطح صیانت در حوزه ناجا است. کلیدواژه‌ها: مقام‌معظم‌رهبری، تدبیر، فرمان، پیشگیری، جرم.

<sup>۱</sup>- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه.

## مقدمه

پیشگیری از جرم از یک نظر؛ فرآیندی خلاق و فعال است که با هدایت رده‌های نظارتی و مشارکت کارکنان در محیط ناجا شکل می‌گیرد و نهایتاً منجر به صیانت و یا تقویت امنیت می‌گردد. از طرفی پیشگیری از جرم همواره مدنظر فرماندهی معظم کل قوا بوده و ایشان در موارد متعدد به اهمیت و جایگاه ویژه پیشگیری اشاره نموده‌اند و حتی در سخنی پیشگیری از جرم را در کنار تأمین عدالت و تأمین امنیت به‌عنوان سرفصل‌های مهم اداره مطلوب کشور معرفی می‌نمایند (بیانات در جمع مسئولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدا ۷ تیر ۱۳۷۹). این سخن خود معرف جایگاه ویژه پیشگیری از جرم در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است، زیرا ایشان پیشگیری از جرم را هم‌رده با تأمین امنیت و تأمین عدالت معرفی می‌نمایند.

پیشگیری از جرم می‌تواند منجر به تغییر و تحولات مثبت در همه قسمت‌های ناجا گردد، با این وجود درخواهیم یافت که سهم آن‌بخش از روش‌ها، راهبردها و توصیه‌هایی که به نیت پیشگیری از ایجاد بسترهای ابتلای کارکنان به فعالیت‌های سوء به‌طور ارادی و رسمی، همراه با سرمایه‌گذاری‌های کلان مادی و معنوی در رده‌های نظارتی انجام می‌گیرد، در مقایسه با آن عوامل ناپیدا و ناخواسته‌ای که بر آن تأثیر می‌گذارد، نسبتی بسیار ناچیز خواهد بود.

در این تحقیق سعی می‌گردد با بیان اهم تدابیر و فرمان‌های مقام معظم رهبری و فرماندهی معزز کل قوا (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از جرم، به چگونگی اجرایی نمودن این تدابیر و فرمان‌ها در سطح ناجا پردازیم. بی‌شک پیشگیری از جرم در ناجا امری بدیهی، لازم، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به‌نظر می‌رسد پیشگیری به‌عنوان مرکز ثقل و اولویت وظایف و مأموریت‌ها و به‌عنوان مهم‌ترین فعالیت در رده‌های نظارتی است. از اهمیت پیشگیری همین بس که مقدم بر درمان است، کم‌هزینه و اثربخش بوده و صیانت کارکنان را تضمین می‌نماید.

## بیان مسئله

اگر رده‌های متولی صیانت از کارکنان ناجا بتوانند با تکیه بر فرمان‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری و فرماندهی معزز کل قوا (مدظله‌العالی)، سازوکار نظارتی‌ای ایجاد کنند که منجر به از بین رفتن بستر و زمینه ارتکاب جرم توسط کارکنان ناجا گردد، در این صورت از بسیاری از هزینه‌ها و اتلاف نیروها جلوگیری به عمل خواهد آمد.

در هر سازمان و نیرویی، جرائم و تخلفات کارکنان آسیب‌های فراوانی را برای آن سازمان در بردارد. ناجا نیز نه تنها از این قاعده مستثنا نیست، بلکه باید به دلیل کثرت و تنوع وظایفی که در ارتباط با نظام و مردم جامعه دارد، از سایر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی متمایز باشد و این سطح تنوع مأموریتی از دیدگاه احتمال وقوع جرائم و تخلفات کارکنان بسیار برای سازمان تهدیدزا است، به گونه‌ای که صیانت از کارکنان ناجا در مقابل انواع فساد اداری یا آسیب سازمانی در مقایسه با کارکنان سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و اجتماعی را پیش از پیش ضروری می‌سازد.

آنچه زمینه تحقیق حاضر را فراهم آورده است؛ این است که با بررسی به عمل آمده تاکنون در زمینه چگونگی اجرایی نمودن فرمان‌ها و تدابیر پیشگیرانه مقام معظم رهبری و فرماندهی معزز کل قوا (مدظله‌العالی) پژوهشی صورت نگرفته است و این تحقیق در نوع خود برای نخستین بار صورت پذیرفته است، لذا تصمیم گرفته شد ضمن جمع‌آوری اهم بیانات و فرمان‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از جرم و تخلف، به چگونگی فرایند اجرایی نمودن این تدابیر و فرمان‌ها پرداخته شود و به عبارتی دیگر این تحقیق به دنبال پاسخی مناسب برای این سؤال است که: راه کارهای اجرایی نمودن فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد صیانت از کارکنان ناجا کدام‌اند؟

## اهمیت و ضرورت تحقیق

هیچ درمانی، کارآمدتر و اثربخش‌تر از پیشگیری نیست. همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانات شیوای خود در جمع مسئولان قوه قضائیه

و خانواده‌های شهدای ۷ تیر در سال ۱۳۷۹، پیشگیری از جرم را در کنار دو مقوله تأمین عدالت و تأمین امنیت به‌عنوان سرفصل‌های مهم اداره مطلوب کشور معرفی نموده‌اند، این سخن به‌خودی‌خود، معرف اهمیت و ضرورت پیشگیری از جرم است. شاید اطلاق ضرورت پیشگیری از جرم و تخلف در قشر خاصی از انسان‌ها مورد سؤال باشد، لیکن ما از این حیث این عنوان را تأکید می‌کنیم که کارکنان ناجا با توجه به اختیارات و حضور در صحنه‌های خاص، موقعیت ویژه نسبت به دیگر اشخاص جامعه دارند.

حساسیت و منحصر به فرد بودن حرفه کارکنان ناجا را می‌توانیم در قالب یک مثال بهتر بیان نماییم. پزشکان جراح اگر در اتاق عمل، احتیاط‌های لازم را انجام ندهند، همیشه از این جهت تهدید می‌شوند که مرض بیمارشان به‌خود آن‌ها نیز سرایت کند، بنابراین همواره خود را به ابزارهایی مجهز می‌کنند تا در صحنه جراحی از این خطرها مصون بمانند. کارکنان ناجا، مخصوصاً کارکنانی که در فعالیت‌های اجرایی مشغول به کار هستند به دلیل آنکه دائم با ناهنجاری‌ها، شرارت‌ها و به‌طور کلی اعمال خلاف تأیید جامعه و دین روبه‌رو هستند، مستعد این هستند که از سوی مرتکبین این اعمال و به تعبیر قرآن کریم (کسانی که قلوبشان مریض است) تأثیر منفی بپذیرند. لذا ضرورت دارد با بسترسازی و ارتقای شیوه‌ها و راه‌کارهای پیشگیری از جرم با اتکای بر فرمان‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی)، از تمام آسیب‌ها و تهدیدهای احتمالی مصون بمانند.

جا اندازی فرهنگ پیشگیری از جرم و گذراندن این تدبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که می‌فرمایند: پیشگیری بهتر از درمان است (بیانات در دیدار با علماء و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳) از مرحله اندیشه و رساندن آن به مرحله عمل در سطح ناجا، می‌تواند نیروی انتظامی را از برکات زیادی بهره‌مند سازد. لذا با عنایت به اینکه پیشگیری از جرم و تخلف با اتکای به اجرای فرمان‌ها و تدابیر پیشگیرانه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بهترین شیوه حفظ و پایداری و صیانت از کارکنان ناجا است؛ محقق سعی دارد ضمن بیان اهم فرمان‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در

زمینه پیشگیری از جرم و تخلف، شیوه‌ها و راهکارهای اجرایی نمودن این تدابیر و فرمان‌ها را با رویکرد صیانت از کارکنان ناجا شناسایی نماید.

## اهداف تحقیق

### هدف اصلی

شناسایی راهکارهای اجرایی نمودن فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا در زمینه پیشگیری از وقوع جرائم توسط کارکنان ناجا با رویکرد صیانت از آنان.

### اهداف فرعی

۱. شناسایی فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا در زمینه پیشگیری از وقوع جرائم؛
۲. راهکارهای اجرایی نمودن فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا با هدف صیانت از کارکنان ناجا.

## سؤالات تحقیق

### سؤال اصلی

راهکارهای اجرایی نمودن فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا در زمینه پیشگیری از وقوع جرائم (با رویکرد صیانت از کارکنان ناجا) کدام‌اند؟

### سؤالات فرعی

۱. فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا در زمینه پیشگیری از وقوع جرائم کدام‌اند؟
۲. راهکارهای اجرایی نمودن فرمان‌ها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا با هدف صیانت از کارکنان ناجا کدام‌اند؟

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحلیلی-استنباطی است.

## چارچوب نظری- تحلیلی تحقیق

### مفاهیم، تعاریف و اصطلاحات

#### • فرمان

ماده ۲ فصل اول آیین‌نامه انضباطی ن.م در تعریف فرمان اشعار می‌دارد: «تدابیر، دستورات و مصوبات شفاهی و کتبی مقام معظم فرماندهی کل قوا که در رابطه با نیروهای مسلح ابلاغ می‌گردد».

#### • تدبیر

ریشه لغوی و ساختار لفظی اقتضا می‌کند تدبیر را «پشت سرهم چیدن حکیمانه» بدانیم، استعلامات قرآنی نیز همین معنی را تأیید می‌کند (تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲ سوره رعد).

#### • پیشگیری

۱. مفهوم موسع: به مفهوم تمامی اقدام‌هایی است که به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده با هدف کاهش بزه‌کاری انجام می‌گیرد (شیری، ۱۳۸۶، ص ۱۷)؛
۲. مفهوم مضیق: پیشگیری از جرم شامل به‌کارگیری مجموع وسائل و ابزارهایی است که دولت برای مهار بهتر بزه‌کاری از دو طریق مورد استفاده قرار می‌گیرد: اول از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا. دوّم از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی و محیط اجتماعی که به‌نوبه خود فرصت‌های مناسب را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰، ص ۷۴۵).

#### • جرم

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۲، جرم را چنین تعریف می‌کند: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.»

در ارتباط با این تعریف نکاتی نیز قابل توجه است:

۱. چنانچه نص قانونی وجود نداشته باشد، نمی‌توان هیچ عملی را جرم محسوب نمود؛
۲. جرم تنها شامل افعال خلاف نیست، بلکه ترک فعلی که به موجب قانون ممنوع باشد، نیز جرم تلقی می‌شود.

### **تدابیر و فرمان‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از وقوع جرائم**

اینک ابتدا با توجه به عنوان مقاله، به اهم فرمان‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری در زمینه اهمیت و ضرورت پیشگیری از وقوع جرم و تخلف پرداخته می‌شود و سپس در بخش بعدی مقاله به راهکارهای اجرایی نمودن این تدابیر و فرمان‌ها پرداخته خواهد شد. لازم به یادآوری است که از آنجایی که بیانات والای مقام معظم رهبری می‌تواند به عنوان چراغ راهی برای هدایت کلیه نهادها و سازمان‌ها (به‌ویژه سازمان‌های نظامی) در زمینه پیشگیری از وقوع جرم توسط کارکنان آن‌ها باشد، لذا ممکن است ابتدائاً مخاطب بعضی از سخنان کارکنان ناجا نباشند، لیکن بی‌شک با توجه به اهمیت پیشگیری از وقوع جرم در ناجا، بیانات اشاره شده قابل تعمیم به سطح این سازمان هم هست.

۱. اگر توانستیم خودمان را به جایی برسانیم که در سطح جامعه، هرکس احساس کرد به او ظلم شده است، در دلش نوری بدرخشد که «اگر به دستگاه قضائی مراجعه کنم، حق خود را خواهم گرفت»؛ اگر چنین نوری در دل هر مظلوم و مسلوب‌الحقی وجود داشته باشد، دستگاه قضا کامل است. این، همان بسط عدالت است. این، همان پیشگیری از جرم است (سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، شهریور ۱۳۶۶).

۲. پیشگیری از جرم، به همان اجرای عدالت است (سخنرانی در جمع قضات و اعضای دستگاه قضا، ۱۳۷۱).

۳. اگر اجرای عدالت به شکل دقیق انجام گرفت، ظلم در جامعه اتفاق نمی‌افتد. اگر مجرم کماهو حقه تعقیب شد و مر حق و عدل درباره او جاری شد، کسی به جرم گرایش

- پیدا نمی‌کند. این، یک امر قهری است. بسط عدالت همین است. پیشگیری از جرم هم همین است (سخنرانی در جمع قضات و اعضای دستگاه قضا ۱۳۷۱).
۴. اگر جرم و جنایت هست؛ اگر دسترسی به قضاوت عادلانه نیست؛ اگر رسیدگی‌های قضائی طولانی می‌شود و پرونده‌ها مدت‌ها می‌ماند، این‌ها فساد است و باید اصلاح شود. باید از جرم و جنایت پیش‌گیری کرد (خطبه‌های نماز جمعه، سال ۱۳۷۹).
۵. پیشگیری از جرم، تأمین عدالت، تأمین امنیت، این‌ها قلم‌های بسیار درشتی است که در نظام اسلامی جزو سرفصل‌های مهم اداره مطلوب کشور به حساب می‌آید (بیانات در جمع مسئولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای ۷ تیر، ۱۳۷۹).
۶. وقتی دستگاه‌های نظارت و مراقبت خود را دقیق کنند، جلوی فساد گرفته خواهد شد؛ این می‌شود پیشگیری (بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲).
۷. انسان گاهی مبنای فکری درست می‌کند تا خطای خود را اصلاح کند. جلوی خطاها و لغزش‌های خود را از همه‌جا بگیریم و بهتر از همه‌جا، اول کار است و بهتر از اول کار، پیشگیری است. این، روح تقوا را در ما تقویت خواهد کرد (بیانات در دیدار با اعضای شورای شهر و شهردار تهران، ۱۳۸۲).
۸. مقابله هم یا به‌نحو پیشگیری است یا به‌نحو درمان. پیشگیری، بهتر از درمان است (بیانات در دیدار با علماء و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳).
۹. دستگاه قضائی مجازات مفسد را بر عهده دارد، دستگاه اجرائی جلوگیری از بروز فساد را بر عهده دارد؛ این مهم‌تر است؛ این پیشگیری است (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶).
۱۰. مبارزه با فساد به صلاح احتیاج دارد؛ اول خودمان باید صالح باشیم؛ اهل فساد نباشیم تا بتوانیم با فساد حقیقتاً مبارزه کنیم. اگر در ما نقطه ضعفی از باب فسادپذیری وجود داشته باشد، آن وقت دیگر خاطر جمع نخواهیم بود از اینکه در



میدان قدم بگذاریم. لذا مواظب خودمان باشیم (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶).

۱۱. پیشگیری ابزارهای لازم خودش را دارد، دستگاه‌های متناسب خودش را دارد. پیشگیری با استفاده از ضابطین قضائی هم احیاناً خواهد بود؛ از جمله دستگاه‌های امنیتی، از جمله دستگاه‌های اطلاعاتی. از همه این‌ها باید در پیشگیری استفاده شود (بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل‌بیت (ع)، ۱۳۸۷).

۱۲. توجه جدی در تخصیص منابع، به وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت، بهبود امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله مؤثر با جرائم و مفاسد اجتماعی و امنیتی از طریق تقویت و هماهنگی دستگاه‌های قضائی، امنیتی، انتظامی (پیام به رئیس‌جمهور در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم، ۱۳۷۸).

۱۳. توسعه نظام‌های پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷).

۱۴. ... یک نوع مراقبت خودپایی است، یعنی مراقب خودمان باشیم. اگر چنانچه خود را رها کردیم و مراقبت از خود نکردیم خطر وجود دارد، این خودپایی و مراقبت از خود در ادبیات قرآنی و شرعی اسمش تقوا است؛ اینکه می‌گویند تقوا، تقوا یعنی همین، یعنی آدم مراقب خودش باشد (فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا در دیدار فرماندهان و مسئولان ناجا، ۱۳۸۷).

راه‌کارهای اجرایی نمودن تدابیر و فرمان‌ها مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با رویکرد صیانت از کارکنان ناجا

در بخش قبلی مقاله به اهم فرمان‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری در زمینه پیشگیری از جرم پرداخته شد. در این بخش با استفاده از بخش قبلی به ارائه راه‌کارهای اجرایی نمودن تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از وقوع جرم می‌پردازیم.

به‌زعم نویسندگان با توجه به اهم بیانات مقام معظم رهبری که در زمینه پیشگیری از وقوع جرم ارائه شد، چهار راه‌کار اصلی پیشگیری از وقوع جرم و تخلف عبارت است از:

۱. توسعه و گسترش عدالت
۲. نظارت و مراقبت دقیق
۳. تقویت و ارتقای تقوا
۴. ایجاد فرهنگ خودپای و خودحفاظتی.

در ادامه به بررسی این چهار راه‌کار می‌پردازیم:

## ۱. بسط و اجرای عدالت

عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۶۲، ۲۲۷۹) درباره مفهوم عدالت دیدگاه‌ها مختلف بوده و نظریات متفاوتی مطرح می‌گردد:

- عدالت همانند سایر مفاهیم اخلاقی و متافیزیکی فاقد معنا بوده و مهمل است و تنها بیان‌گر احساسات انسانی است و گاهی نیز برای برانگیختن احساسات استعمال می‌شود مانند ناله و فغان انسان مصیبت‌دیده که فاقد معنا بوده و احساسات انسانی را نمایش می‌دهد همان‌طور که زرد شدن چهره انسان ترس او را بیان می‌کند، با این تفاوت که در مفاهیم اخلاقی، قالب عرضه احساسات را خود انسان تعیین می‌کند و گاهی اوقات هم برای تحریک دیگران و برانگیختن آن‌ها دست به چنین کاری می‌زند.
- عدالت لفظی است دارای معنا و مفهوم که حکایت از تمایلات و عواطف خاص می‌کند یعنی تناسبی در بین دسته‌ای از افعال با خواسته‌های انسان وجود دارد که موجب می‌شود آن افعال را عادلانه بنامیم. بر طبق این دیدگاه موضوع عدالت فعل یا اشیا خارجی نخواهد بود بلکه موضوع آن نفس حالات و کیفیات نفسانی متکلم است.
- عدالت یک صفت عینی خارجی است. عدالت دیدنی و شنیدنی نیست بلکه تعقل کردنی است و به واسطه عقل می‌توان آن را درک نمود. پس عدالت خصوصیتی را به اشیا یا افعال نسبت می‌دهد که هیچ صفت دیگری نمی‌تواند جانشین آن شود.
- مفهوم عدالت دارای مصداق خارجی نیست و فقط موصوف خارجی دارد؛ یعنی عقل صرف نظر از رابطه‌ای که اشیا یا شخص مدرک و تمایلات او دارد به کندوکاو

و مقایسه اشیاء با یکدیگر می‌پردازد و با توجه به این مقایسه و ارتباطی که آن‌ها با یکدیگر دارند مفهوم عدل را به دست می‌آورد.

• عدالت یک امر قراردادی محض است که نه مصداق عینی دارد و نه تمایل تکوینی انسان به آن تعلق می‌گیرد، مثل مالکیت بلکه امری است قراردادی؛ بر طبق این دیدگاه مفهوم عدالت مبتنی بر آرای عقلاست.

برخی عدالت را به دو قسم صوری و ماهوی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ عدالت صوری عبارت است از قاعده‌ای که به همه موقعیت‌ها و اشخاصی که موضوع آن قرار می‌گیرند یکسان حکومت کرده و تبعیض روا ندارد، عادلانه است؛ اما عدالت ماهوی عبارت است از اینکه به مضمون و محتوای قاعده نیز توجه شود (بختیاری، ۱۳۷۶، ۴۴).

برتراند راسل، در تعریف عدالت این‌گونه می‌گوید: عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آنچه را که به تصدیق عموم، زمینه‌هایی برای نارضایتی مردم فراهم می‌کند به حداقل برساند (حکیمی، ۱۳۷۶، ۴۴).

به‌نظر هایک (Hauek) هم در رفتارها و هم در ذهن انسان سلسله مراتبی از قواعد حاکم است که اساسی‌ترین آن‌ها در حوزه فراگاهی؛ یعنی در ورای توانایی ادراک‌ها قرار دارند. «رشد عقل انسانی جزئی از رشد تمدن است... ذهن هیچ‌گاه نمی‌تواند پیشرفت آینده خود را پیش‌بینی کند» (بشیریه، ۱۳۸۱، ۱۰۲) لذا کلمه بنیادین اجتماع، محصول عقل رهبری‌کننده انسان نیست و به‌همین دلیل برنامه‌ریزی اجتماعی ممکن نخواهد بود.

عدالت در فرهنگ اسلام، از نظر لغوی عدل در مقابل ظلم و به‌معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند (سجادی، ۱۳۶۱، ۱۷۵). در تفسیر نمونه ذیل آیه ۹۰ نحل آمده عدل به‌معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد؛ یعنی دادن حق هر صاحب حق (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۸، ۳۶۶).

شهید مطهری در کتاب عدل الهی خود، چهار برداشت از عدل را بیان می‌کند:

۱. **موزون بودن:** یعنی رعایت تناسب یا توازن میان اجزای یک مجموعه؛ واژه اقتصاد نیز در فرهنگ اسلامی به معنای رعایت حد وسط و اعتدال ذکر شده است و اساس اقتصاد اسلامی بر مبنای رعایت اعتدال است.
۲. **تساوی و رفع تبعیض:** یعنی رعایت مساوات بین افراد هنگامی که استعدادها و استحقاق‌های مساوی دارند، مانند عدل قاضی.
۳. **رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز بر اساس میزان مشارکت آن‌ها مانند عدالت اجتماعی.**
۴. **رعایت استحقاق‌ها:** این معنی از عدل عمدتاً مربوط به عدالت تکوینی و از خصوصیات باری تعالی است.

از دیدگاه قرآن کریم عدل در سراسر نظام آفرینش جاری است و نسبت به همه موجودات و همه هستی برای آنکه فعل خداوند متعال هستند جریان دارد. به تعبیر قرآن کریم هم نظام طبیعت و هم نظام ملکوت، عادلانه است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ۳۰۲). «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، آیه ۲۵). بنابراین سبب پویایی عدل در سراسر هستی چه در نظام تکوینی و چه در نظام تشریح، خداوند متعال خواهد بود (آل عمران، آیه ۱۸).

بنابراین عدالت وصفی است برای توزیع مواهب و به دلیل آنکه رحمت و علم الهی بی‌نهایت است عدالت به معنای تام و کامل آن محقق می‌شود.

آنچه ویژگی منحصر به فرد دیدگاه برگرفته از وحی است آن است که عدالت در میان انسان‌ها هماهنگ با واقعیت‌های آفرینش بوده و آفرینش نیز دارای یک نظام هدفمند است پس چنانچه قدرت علمی انسان نتواند برخی از اهداف حیات بشری را کشف نماید و در عین حال علم به آن‌ها و عمل بدان اصول در رسیدن انسان به زندگی عادلانه و سعادت‌مند مؤثر باشد بی‌گمان خداوند متعال از طریق وحی، انسان‌ها را هدایت خواهد

کرد در حالی که در دیدگاه‌های غیر دینی این مشکلات پیچیدگی‌های غیرقابل حلی پیدا می‌کند (باقری، ۱۳۷۶، ۴۸). علاوه بر این روایات بسیاری درباره عدالت و تبعات آن در کتب شیعی ذکر شده که به چند روایت اشاره می‌کنیم:

امام علی (ع): «العدل حیات الاحکام» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۳۱۸).

امام موسی کاظم (ع): «لو عدل فی الناس لا استعنوا [۱۳]» (حکیمی، ۱۳۷۶، ۶۱).

امام علی (ع): «ما عمرت البلدان به مثل العدل [۱۴]» (عامری، بی تا، ۳۴).

امام صادق (ع): «ان الناس يستعنون اذا عدل بینهم [۱۵]» (حکیمی، ۱۳۶۴، ۶۰).

## ۲. نظارت و مراقبت

کار جمعی و متکی به قانون، لزوم واپایش و نظارت در تمامی سازمان‌ها و نهادها را محسوس ساخته و وجود ساختارهای سازمانی مناسب برای برآورده شدن این نیاز بیش‌ازپیش مشهود گردیده است. نهادها به شیوه‌های متفاوت اقدام به طراحی ساختارهای سازمانی نظارتی کرده، با این امید که ساختارهای مذکور امر مراقبت و نظارت را تسهیل نمایند.

امر مهم نظارت و مراقبت از دیرباز در جوامع بشری مورد اهتمام بوده است و مورد تأکید اسلام نیز قرار دارد. با مطالعه تاریخ اسلام و شیوه حکومت‌داری و مدیریت جامعه اسلامی و نیز در پیام تاریخی حضرت امام علی (ع) به مالک اشتر در باب حکمرانی بر مصر، به کار گماردن نظارت در کار مسئولان، جدی تلقی شده است که در جمله معروف «وابعث العیون من اهل الصدق و الوفا» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) متجلی است.

در دانش نوپای مدیریت نیز، مقوله نظارت و مراقبت یکی از پایه‌های چهارگانه مدیریت نوین است و همواره مدیران از این ابزار مهم و حیاتی در جهت پیشبرد امور تحت سرپرستی خود استفاده می‌کنند. گزاره نیست اگر بگوییم که مدیریت بدون نظارت، حرکت کردن در خلأ و محرومیت از بهره‌گیری درست امکانات و عوامل موجود برای رسیدن به هدف مطلوب است (الوانی، ۱۳۶۸، ۱۵۶).

تمام دستگاه‌ها دارای نظارت هستند و نتیجه نظارت، اصلاح کاستی‌ها و قوت بخشیدن به توانمندی‌ها است. دستگاه فاقد نظارت علاوه بر آنکه تکمیل نیست نمی‌تواند ضعف‌های

خود را بشناسد و بر قدرتی تکیه کند. به همین لحاظ برقراری دستگاه نظارت داخلی به عنوان عامل تعیین کننده شناخت سریع نقاط قوت و ضعف از ابتدایی ترین اصول مدیریت است. بدین ترتیب دیگر مراجع مراقبتی با اتکای به نظارت های داخلی می توانند در نتیجه گیری خود قاطعانه تر و سریع تر عمل نموده نتایج را به واقعیت نزدیک سازند. برعکس هرگاه واپایش های داخلی قوی برقرار نباشد علاوه بر آنکه مدیریت توانایی نظارت بر امور را از دست می دهد سایر مراجع واپایشی مانند بازرسان قانونی و مراجع نظارتی مستقل دیگر نمی توانند به نتایج صحیحی دست یابند (دانش حسابرسی، ۱۳۷۳، ۵).

نظارت و مراقبت شرط تحقق اهداف است، هرچه محیط متلاطم تر باشد و تغییر و تحولات در سازمان سرعت بیشتری بگیرد، تضمین دستیابی به اهداف مشکل تر خواهد شد و در نتیجه به نظارت و مراقبت جدی و دقیق تری نیازمند خواهیم بود. سیاست های نظارتی در محیط های پویا و متلاطم همانند ترمز عمل می کنند و به ما گوشزد می کنند که اگر مراقب نباشیم و از این امر مهم غفلت به ورزیم ممکن است چنان از هدف های تعیین شده دور شویم که برگشت غیرممکن یا در صورت برگشت دیر شده باشد و نیازها و اهداف تغییر کرده باشند، بنابراین نتیجه این خواهد شد که همواره در تلاشیم ولی هیچ وقت به مقصد نمی رسیم، از این رو به خصوص در شرایط فعلی جامعه به نظر می رسد که توجه بیش از پیش به امر نظارت راه گشای بسیاری از مشکلات امروز ما خواهد بود، زیرا به سخن مولوی آن پیر فرزانه:

گر مراقب باشی و بیدار خویش هر دمی بینی سزای کار خویش

از طریق ارزیابی عملکرد و اعمال صحیح سامانه های مراقبتی در دستگاه ها می توان:

۱. از اجرای قوانین و مقررات در دستگاه ها اطمینان حاصل کرد؛
۲. مطمئن شد که از منابع مالی، فیزیکی و نیروی انسانی در دستگاه ها به نحو مؤثری بهره برداری می شود.

با توجه به اینکه مدیران هرگز مطمئن نیستند که رویدادها بر طبق برنامه‌های از پیش تعیین شده به وقوع خواهند پیوست، لذا باید پیوسته درگیر ارزیابی پیشرفت برنامه‌ها و عملکردها باشند و از طریق توجه دائمی به نظارت و مراقبت، مدیریت در موقعیت حفظ و حراست عملیات در مقابل پیشامدهای غیر مطلوب قرار می‌گیرد و تا این حد واپایش، به‌جای اینکه ماهیت تسریع‌کننده داشته باشد جلوگیری‌کننده خواهد بود.

شاید به‌جرئت بتوان ادعا کرد که انجام هیچ فعالیتی در سازمان قرین توفیق نخواهد بود مگر آنکه واپایش‌های لازم نسبت به آن عمل انجام شده باشد. سازمان، بدون وجود یک دستگاه مؤثر نظارت در تحقق مأموریت‌های خود موفق نبوده و نمی‌تواند از منابع خود به‌درستی استفاده کند.

شاید مهم‌ترین مسئله‌ای که وجود نظارت را ضروری می‌سازد، آن است که پیش‌بینی‌ها و برنامه‌های عملیاتی در سازمان‌ها همواره با درصدی خطا توأم است و برای رفع این خطاها و اصلاح عملیات نظارت تنها راه چاره است (جاسبی، ۱۳۸۱، ۸۶).

اصولاً هیچ سازمانی بدون داشتن دستگاه نظارت و مراقبت نمی‌تواند بقاء و تداوم خود را تضمین نماید؛ اما همین مراقبت و نظارت که حافظ دستگاه است اگر به روش خردگرایانه و همراه با انعطاف اعمال نشود موجب پیری زودرس و عدم زایش در سازمان گردیده و نهایتاً عامل مرگ آن سازمان خواهد شد.

وقتی که یک برنامه تهیه شد و برای اجرای آن سازمان‌دهی انجام گرفت و هدایت یا رهبری نیروی انسانی آن تنظیم شد انتظار این است که هدف‌های برنامه تحقق پیدا کند و هنگام پیاده کردن برنامه اطمینان وجود داشته باشد که حرکت دقیقاً به‌سوی هدف‌های تعیین شده انجام می‌شود. گاهی ممکن است حتی جزئیات برنامه به‌صورت دقیق اجرا گردد اما جهت‌گیری کلی در اجرای برنامه دارای انحراف باشد و ما را از هدف دور کند.

در هر حال اطمینان از اینکه اجرای برنامه و هدایت آن درست انجام می‌شود و در صورت مشاهده انحراف برای تصحیح آن اقدام لازم به‌عمل می‌آید، فرآیندی است که آن را نظارت و مراقبت می‌نامند. هر نوع مدیریتی که بدون دستگاه مراقبت باشد فاقد

تضمین لازم برای صحت و دقت عملیات و اجرای کامل و صحیح برنامه‌هاست. بنابراین نظارت به‌عنوان یک بخش مهم از اجرای مدیریت به‌حساب می‌آید (همان). در قرآن کریم نیز کلمه نظارت و مشتقات آن ۱۲۹ بار تکرار شده است و این اهمیت موضوع را می‌رساند در حالی که مسئله خمس که از مبانی مهم اقتصاد اسلامی است فقط یک بار در قرآن آمده و بر همه واجب شده است که خمس اموال را بپردازند. علت اینکه در قرآن روی موضوع نظارت و بازرسی تکیه شده این است که انسان یک موجود اجتماعی است. بنابراین پاکی جامعه به پاکی انسان کمک می‌کند و آلودگی آن هم بر آلودگی‌اش اثر خواهد گذاشت. از جمله مواردی که در قرآن به بازرسی و نظارت اشاره کرده است آیه ۱۰۴ سوره آل‌عمران:

(ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر: باید از میان شما جمعی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند).

نظارت و مراقبت بر اعمال و رفتار و شیوه مدیریت کارگزاران و عملکرد کارکنان جدی‌ترین مسئله یک نظام اداری است و البته این به‌معنای بی‌اعتمادی به آنان و ایجاد یک فضای عدم اطمینان نیست، بلکه بدین معناست که نوع آدمی نیازمند مراقبت و نظارت است و انسان باید احساس کند که گذشته از ناظر و مراقب درونی، ناظر و مراقب یا ناظران و مراقبانی بیرونی بر اعمال و رفتار و راه و رسم او نظارت و مراقبت می‌کنند و کارهایش مورد پیگیری قرار می‌گیرد و این‌گونه نیست که انسان هر طور اراده کرده بتواند عمل کند و به‌هر راه و رسمی میل کند و نسبت به عملکرد و راه و رسم خود پاسخ‌گو نباشد، لازمه مسئولیت در هر مرتبه‌ای که فرض شود، پذیرش نظارت و مراقبت و پاسخ‌گویی است. آدمی پیوسته در معرض اشتباه و تباهی است و هر کس در معرض وسوسه‌های نفس و امیال پست است.

نظارت و بازرسی و مراقبت امیر مؤمنان (ع) بر عملکرد و رفتار کارگزارانش تا آنجا بود که حتی حضور آنان در یک مهمانی اشرافی از نظر آن حضرت مخفی نمی‌ماند،



چنانچه وقتی عثمان بن حنیف فرمان‌دار بصره در مجلس یکی از ثروتمندان شرکت کرد، گزارش آن بلافاصله به علی (ع) رسید و آن حضرت او را توبیخ نمود.

امیر مؤمنان در پی نظارت و مراقبت بر مدیریت کارگزاران خود، به عملکرد و رفتارشان رسیدگی می‌کرد آنان را حسابرسی می‌نمود. راه و رسم پیشوای عدالت‌خواهان چنین بود که تلاش می‌کرد افراد با صلاحیت و دارای اهلیت‌های لازم را بر سر کار بگمارد و سپس بر مدیریت آنان نظارت و مراقبت می‌کرد. آن‌گاه به عملکرد و رفتارشان رسیدگی می‌کرد و آنان را مورد حساب‌خواهی و حسابرسی قرار می‌داد تا خادمان و خائنان مشخص شوند و با هر یک به تناسب خدمت و خیانتش برخورد شود.

قاضی ابو یوسف درباره سیره آن حضرت می‌نویسد که آن حضرت به یکی از کارگزاران خود به نام کعب ابن مالک نوشت: شخصی را به جای خود به عنوان جانشین قرار ده و برای نظارت بر عملکرد و رفتار کارگزاران و مسئولان به همه مناطق روانه شو و تمام سرزمین عراق را منطقه به منطقه بگردید و از چگونگی رفتار و اعمال کارگزاران جوینا شوید و سیره آنان را مورد بررسی و پی‌گیری قرار دهید (ری‌شهری، بی‌تا، ۳۳۲).

امیر مؤمنان در این فرمان، بررسی و پی‌گیری و حساب‌خواهی و حسابرسی جامع و کامل منطقه عراق را صادر کرده و خواسته است که هیچ‌جا از نظر نیفتد و همه چیز و همه‌جا و راه و رسم و سیره همه کارگزاران بررسی گردد و از آنان حساب‌خواهی شود. حضرت در این امر، یعنی حساب‌خواهی و حسابرسی پس از مراقبت و بازرسی هیچ‌گونه ملاحظه‌ای روا نمی‌داشت و کمترین کوتاهی را مایه تباهی ابدی می‌دانست. وقتی به آن حضرت گزارش رسید که یکی از پسرعموهای آن حضرت که کارگزار وی بوده است، راه خطا پیموده او را سخت مواخذه کرد و از وی حساب‌خواهی نمود و او را از حسابرسی دقیق روز قیامت بر حذر داشت و تهدیدش کرد که اگر جبران مافات نکند و آنچه را از اموال عمومی برداشته است. بازنگرداند، کیفری سخت از جانب امام روبه‌رو خواهد شد و در پی آن روانه دوزخ خواهد گردید و برای اینکه بر همگان روشن شود که امیر مؤمنان (ع) در حساب‌خواهی و حسابرسی بر چه موازینی سیر

می‌کند و اینکه بر او جز حق و عدل معیاری پذیرفته نیست، به پسرعم خود یادآور می‌شود که اگر دو فرزند گرامی‌اش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) مرتکب چنین اعمالی شده بودند، بدون هیچ ملاحظه‌ای آنان را کیفر می‌کرد.

امام علی (ع) در حساب‌خواهی و حسابرسی دقیق و شدید بود و اجازه نمی‌داد که کسی از جایگاه و موقعیت خود به سود خویش و زیان مردمان توشه برگیرد و به محض آنکه بازرسان مخفی آن حضرت گزارشی از کجی و تباہ‌گری کارگزاران به‌وی می‌دادند، ماده فساد را قطع می‌کرد و با دقت و شدت به حسابشان می‌رسید.

### ۳. تقوا

حقیقت تقوای الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه از نظر دین، خطا و گناه و پلیدی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آن‌ها نشود. تقوا این نیست که انسان خود را از محیط و عوامل گناه دور نگه دارد، بلکه انسان باید در روح خود حالت و قوتی را ایجاد کند که به او مصونیت اخلاقی بدهد و در هر شرایطی او را از انجام گناه باز دارد.

تقوا در بینش اسلامی، باید همراه با بصیرت و آگاهی باشد و الا ضرر آن کمتر از فایده آن نمی‌باشد. به‌عنوان مثال، خوارج کسانی بودند که در اثر کثرت عبادت اثر سجده بر پیشانی آن‌ها نمایان بود؛ اما از آنجا که تقوا و ایمان آن‌ها از روی شناخت نبود، علیه امام زمان خویش طغیان کردند. در ضمن داشتن تقوا اختصاص به امت و افراد خاصی ندارد و در میدان مبارزه با نفس، به‌عنوان یک عامل حیاتی و مؤثر، باید حضور فعال داشته باشد.

### روش‌های تقویت تقوا

- **ترک گناه:** کسی که قصد دارد در راه تقوا قدم بگذارد، اولین چیزی را که باید رعایت کند، ترک گناهان است. پایه تقوا و اساس دنیا و آخرت، ترک گناهان است. حضرت موسی (علیه‌السلام) از خضر (علیه‌السلام) سؤال کرد چه کاری انجام داده‌ای که من مأمور شده‌ام شاگرد تو باشم؟ حضرت خضر فرمود: با ترک گناه (حسینی، ۱۳۷۵، ۱۶۳).

● **مراقبت در گفتار:** تقوای لفظی، همان نگه‌داری زبان است از سخنان زشت و پلید. انسان باید عفت کلام داشته باشد و هر کلامی را بر زبان خویش جاری نکند. در تفسیر المیزان از کتب اهل سنت نقل می‌کند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «اگر زیاده‌روی در سخن گفتن شما و هرزه چرانی در دل شما نبود هرچه من می‌بینم شما هم می‌دیدید و هرچه می‌شنوم می‌شنیدید» (امینی، ۱۳۷۲، ۲۱۷).

حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه متقین، در وصف انسان‌های با تقوا می‌فرماید: «منطقهم الصواب» یعنی حرف صحیح می‌زنند (ابراهیمیان آملی، ۱۳۷۸، ۱۰۴).

### ● شناخت آثار و برکات تقوا

از جمله عواملی که سبب می‌شود انسان نسبت به یک شخص یا شیء، متنفر باشد یا مجذوب، پی بردن به آثار آن شخص یا شیء است، هر چه شناخت انسان نسبت به آثار تقوا بیشتر باشد، در تقویت این فریضه تلاش بیشتری می‌کند. فلاسفه معتقدند که علم، شوق را به وجود می‌آورد.

تقوی، علاوه بر اینکه در زندگی اخروی بشر تأثیر دارد، در زندگی دنیوی هم آثار زیادی را در پی دارد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «... مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ...» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۱۹۲). کسی که دوست دارد عزیزترین انسان‌ها باشد، پس تقوای الهی داشته باشد.

### ● حضور قلب در نماز

یکی از شرایط قبولی نماز، حضور قلب است، از جمله چیزهایی که باعث می‌شود انسان حضور قلب داشته باشد «فراغت وقت» است. یعنی؛ انسان در هر شبانه‌روز برای عبادت خود وقتی را معین کند که در آن وقت خود را موظف به انجام عبادت بداند و اشتغال دیگری را برای خود در آن وقت قرار ندهد (خمینی، ۱۳۶۸، ۴۲۶).

## ● اجتناب از شبهات

از رمزهای موفقیت بزرگان، اجتناب از شبهات، مکروهات و مباحات است، شبهات مصادیق زیادی دارد، به عنوان مثال: از هر غذایی نخوردن به هر مکان نرفتن، به هر صحبتی گوش نکردن، به هر منظره‌ای نگاه نکردن و ...

در شرح حال فقیه بزرگ مقدس اردبیلی گفته‌اند: «در طول چهل سال از او کار مباحی سر نزد چه رسد به حرام و مکروه» (مختاری، ۱۳۷۴، ۱۳۶).

## ● انتخاب استاد

تربیت شدن انسان، بدون استاد مهذب امکان‌پذیر نیست.

طی این مرحله بی‌همرهی خضر مکن      ظلمات است بترس از خطر گمراهی  
حافظ:

به‌کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم      که من به‌خویش نمودم صد اهتمام و نشد

## ● پرهیز از پرخوری

یکی از آفات و موانع رشد و تکامل آدمی، پرخوری است. لذت عبادت را از انسان می‌گیرد و مصداق بارز اسراف است، که در قرآن از آن نهی شده است «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (اعراف، ۳۱).

## ● یقین به شاهد بودن خداوند

## ● مطالعه شرح حال علماء و متقین

## ● ملازمت و هم‌نشینی با علماء، افراد مهذب و دوستان با تقوا

حواریون به حضرت عیسی گفتند: یا روح‌الله با چه کسی نشست و برخاست کنیم؟ حضرت فرمود: با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد، سخنش دانش شما را زیاد کند و کردارش شما را به آخرت تشویق کند (کلینی، بی‌تا، ۴۹).

## ● مطالعه و به‌کار بستن نصایح و وصیت‌های ائمه (علیهم‌السلام) به اصحاب خاص خود:

مثل نامه حضرت علی (علیه‌السلام) به امام مجتبی، وصایای امام صادق (علیه‌السلام) به عبدالله بن جندب.

- دور کردن خودپسندی و تکبر
- سحرخیزی و نماز شب
- دائم‌الذکر بودن
- مداومت بر ادعیه خصوصاً دعای کمیل و تلاوت قرآن کریم

#### ۴. خود پایی و خودحفاظتی

تاکنون تعاریف زیادی از خودپایی ارائه شده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: رسیدن به قابلیت که فرد با ایجاد آن در ابعاد درونی و بیرونی، قادر خواهد بود به‌صورت آگاهانه، راه صریح و روشن را از راه‌های ناصحیح تشخیص داده و با انتخاب صراط مستقیم وجود خود را (گفتار، اعمال و رفتار) در برابر خطرات درونی (نفس اماره) و خطرات بیرونی مصون نگه دارد (کریمی، ۱۳۸۹، ۱۷۳).

خودپایی، ایجاد حالتی است درون فرد که او را به انجام وظایفش متمایل می‌سازد، بدون آنکه عامل خارجی او را در واپایش داشته باشد (الوانی، ۱۳۸۲، ۱۳۴).

هدفی که در خودپایی دنبال می‌شود، ارائه یک شخصیت سالم است که به بلوغ فکری رسیده است، در برابر انواع مشکلات از خود مقاومت نشان می‌دهد و علاوه بر محیط کار در زندگی شخصی خویش نیز خودپایا می‌شود و این امر از طریق تدارک بسترهای مناسب در سازمان، نهادینه خواهد شد (خیری، ۱۳۸۲، ۱).

خودپایی مراقبتی درونی است که بر اساس آن وظایف محول شده انجام و رفتارهای نابهنجار و غیرقانونی ترک می‌گردد (پیروز و دیگران، ۱۳۸۳، ۳۷۶). این تعاریف مبین آن است که خودپایی فرآیندی است که طی آن افراد، بدون اجبار و تهدید و تطمیع به وظایف سازمانی خود تعهد نشان می‌دهند و از حداکثر توان خود در جهت تحقق اهداف سازمان استفاده می‌کنند.

در تعریف دیگر آمده است خودپایی دربرگیرنده الگوی ثابتی از تفاوت‌های فردی است که از طریق آن، فرد گزینش‌های رفتاری خود را در زمینه‌های اجتماعی

طراحی می‌کند (اسنایدر، ۱۹۷۹، ۱۲۷). هم‌چنین خودپایی از عوامل تنظیم‌کننده رفتار اجتماعی افراد است و در برگزیده حساسیت به سرخ‌های اجتماعی در یک‌سو عدم حساسیت به این نشانه‌ها در سوی دیگر است (اسنایدر، ۱۹۸۷، ۸۷).

از تعاریف فوق می‌توان چنین استنباط کرد که خودپایی «مراقبتی درونی» است که بر اساس آن، وظایف محوله انجام و رفتارهای نابهنجار و غیرقانونی ترک می‌گردد؛ بی‌آنکه نظارت و یا واپایش خارجی در بین بوده باشد؛ بدین معنی که فرد، بدون توجه به واپایش خارجی، تلاش خود را مصروف انجام کاری می‌کند که بر عهده اوست و مرتکب تخلفی از قبیل کم‌کاری، سهل‌انگاری و ... نگردد تأکید بر این نکته ضروری است که نظارت خارجی در تحقق چنین رفتاری که متضمن انجام‌وظیفه و ترک خلاف است نقش نداشته و تنها مراقبت درونی است که موجب رفتار مزبور می‌گردد.

### مفهوم خودپایی

یکی از مفاهیم واپایش، نظارت بر خویشتن (خودپایی) است. شاید درباره این مسئله تاکنون نیندیشیده باشید که اگر افراد، خودشان، خود را واپایش می‌کردند کار مدیریت تا چه اندازه سهل و ساده می‌شد. در چنین حالتی کارکنان بدون ترس از عواقب واپایش مدیران بدون آنکه از مسئله واپایش انتهای برنامه‌ها به وسیله مقامات عالی فکر کنند و... همه و همه وظایف خود را انجام می‌دادند و خود، خویشتن را واپایش می‌کردند.

خودپایی، بهترین و مناسب‌ترین شیوه نظارت و واپایش است که به معنای نظارت فرد بر خود است. واپایش در نهایت باید به خودپایی برسد؛ به طوری که هر فرد خود را مسئول نظارت بر خویش بداند دستگاه باید به گونه‌ای حرکت کند و مدیر چنان روش‌های مؤثر و مناسبی اتخاذ نماید که انگیزه و احساس مسئولیت در افراد قوی گردد و وجدان فردی به قدری آگاه شود که شخص به‌طور دقیق خود را ارزیابی و واپایش کند و نقاط قوت را تقویت و نقاط ضعف را برطرف نماید (خدابنده لو، ۱۳۸۵، ۲۹).

برای واپایش دیگران نخست باید خود را واپایش کرد. تسلط بر خود یکی از دشوارترین کارهاست. انسان میل ندارد که پیوسته عاملی رفتار او را زیر نظر بگیرد. انسان

دوست دارد از هر جهت مستقل باشد برای اینکه به این میل درونی و خصوصیت فطری، پاسخ مثبت داده شود باید در بلندمدت روش خودپایی را تقویت کرد. علاوه بر این مطلب، هرگونه واپایش زمانی موش است که افراد به مرحله خودپایی رسیده باشند. در غیر این صورت، هرقدر هم زنجیره‌های واپایش سخت‌تر شود و مأموران بیشتری برای اعمال واپایش گمارده شوند، باز هم واپایش اثر کافی نخواهد داشت.

مگر آنکه افراد خودپا شده باشند. در این صورت افراد هم رفتار خود، عملکرد همکارانشان، هم کیفیت و کمیت خدمات ارائه شده و هم اجرای برنامه‌های سازمان را به‌طور دقیق واپایش می‌کنند در شیوه خودپایی، افراد از کار و شرایط خود راضی هستند. ولی در شرایطی که توسط افراد دیگر واپایش می‌شوند، معمولاً ناراضی هستند. تقویت اعتقادات عمیق اسلامی افراد، آشنا کردن و مؤمن ساختن آنان به مبانی دین و تقویت احساسات وطن‌دوستانه و افزایش سطح آموزش و تربیت از مؤثرترین وسایل و شیوه‌های خودپایی در جامعه است (همان، ۲۹).

اسلام برای اعمال نظارت بر سازمان‌ها و تشکیلاتش، شیوه‌های مخصوصی دارد که به‌غیر از مکتب انبیاء در هیچ دستگاه و نظامی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ زیرا بخش عمده نظارت به محور ایمان به غیب بر می‌گردد و پیامبران بزرگ الهی در دستگاه نظارتی خود، نیروهای معنوی و ناظران به‌ظاهر غایب جهان خلقت را، شاهد بر کارهای ریز و درشت انسان می‌گیرند و در واقع انسان را به حوزه ایمان به غیب می‌برند تا نظارتی جامع و کامل را در تمام ابعاد زندگی او حاکم گردانند، چنانچه قرآن کریم یکی از خصوصیات پرهیزگاران را همین ایمان به غیب می‌داند و می‌فرماید: «این قرآن بدون هیچ شکی، هدایت‌گر پرهیزکاران است، آنان که به جهان غیب ایمان آورند.» (سوره بقره، آیه ۲) علی‌ای حال در این نوع واپایش، فرد خود مراقب انجام فعالیت‌های خویش است تا آن‌ها را به‌نحو مطلوب انجام دهد.

افرادی که دارای ایمان قوی هستند از خودپایی بیشتری برخوردار هستند. فردی که به مکتب اسلام اعتقاد دارد به‌عنوان مسلمان واقعی، در انجام کارهای معمول، زمینه

گسترده‌ای برای انجام کارها به شکل مطلوب دارد. این فرد به دلیل داشتن زمینه‌های تشویق کننده و تأییدکننده در مکتب الهام‌بخش اسلام، بدون اینکه مدیر یا سرپرست، اعمال او را واپایش نمایند با ناظر دانستن خداوند بر رفتار و اعمالش، سعی می‌نماید وظیفه‌اش را به شکل کامل و بی نقص انجام دهد. فرد مسلمان، زمینه‌های بسیار مناسبی جهت رعایت «وجدان کاری» نسبت به سایر مکاتب بشری دارد، زیرا وجدان کاری به عنوان متغیر وابسته است وابستگی آن در مکتب اسلام به متغیر مستقل ایمان قوی فرد است. هر اندازه کارمندی، دارای ایمان قوی باشد، وجدان کاری و اخلاق کاری بیشتر نیز خواهد داشت و بدون اینکه سرپرستان یا مدیران او را واپایش مستقیم نمایند فرد خدمات شایسته و بی عیب و نقصی را در سازمان و جامعه عرضه خواهد کرد (همان، ۳۰).

هر مسلمانی این اعتقاد و ایمان راسخ را دارد که خداوند عالمیان، هر لحظه بر اعمال و رفتار او نظارت دارد و کوچک‌ترین کارهای او ثبت می‌شود و از نظر خداوند دور نخواهد بود. هر اندازه در سازمان این اعتقاد در نزد کارکنان قوی باشد، آن‌ها از انجام خطاها و انحرافات دوری می‌نمایند، زیرا خداوند را به صورت نامرئی، ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌دانند.

خداوند در آیات مختلفی این امر را صراحتاً برای بشر بیان می‌فرماید:

سخنی جاری نمی‌شود، مگر اینکه رقیب و عتید می‌نویسند. (سوره ق، آیه ۱۸)  
 بعضی از فواید و آثار خودپایی که استفاده از آن را توجیه می‌کند عبارت‌اند از:

- ارزان بودن هزینه خودپایی؛
- اصلاح سریع اشتباهات و جبران آن؛
- خودپایی چون درونی است و با میل و رغبت فرد انجام می‌گیرد، به طور بنیادی در بهبود عملکرد مؤثر واقع می‌شود و به نوعی حامل این پیام است که ارزش و خواسته‌های سازمان در فرد درونی و نهادینه شده است و چنین حالتی می‌تواند بهترین وضعیت برای سازمان به حساب آید؛
- افزایش بهره‌وری و کارایی و اثربخشی؛



- گسترش قسط و عدالت اجتماعی؛
- چون فرد خودش را مسئول ارزیابی و پیامدهای رفتاری‌اش می‌داند، هیچ‌گاه به دنبال ارائه اطلاعات نادرست جهت سرپوش گذاشتن بر عملکرد ضعیف خود نخواهد بود؛
- مملو کردن فضای سازمانی از اعتماد، اطمینان و صداقت.  
شواهد مؤید این ادعا است که افرادی که دارای قدرت خودپایی در برقراری ارتباطات انسانی هستند، موفق‌تر عمل خواهند کرد.  
با این وجود باید مرز بین واپایش و خودپایی را به‌خوبی بشناسیم و از هرگونه افراط و تفریط دوری نماییم. واپایش فرآیندی است که مدیران از طریق آن تطابق عملیات انجام شده را با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده می‌سنجد و باید‌ها را با هست‌ها مقایسه می‌کند و به صحت پیش‌بینی‌های خود پی می‌برد، ضمن اینکه افراد در سازمان‌های خودپا هستند، مدیران نیز با رعایت ضوابط، واپایش لازم را در سازمان اعمال می‌کنند. این امر سبب شکل‌گیری رابطه‌ی دوستانه‌ای بین کارکنان و مدیران می‌شود و هزینه‌های واپایش نیز کاهش می‌یابد. افراد خودپا اغلب خود راغب به انجام کار می‌باشند و از سستی و کاهلی پرهیز می‌کنند، پیوسته مراقب‌اند که از آنان خلافی سر نزد، از انجام هرکار خلاف مقررات، پارتی‌بازی، رشوه و تبعیض‌آمیز خودداری می‌کنند، کار را با اتقان انجام داده و از سهل‌انگاری و ناقص انجام دادن کار پرهیز می‌کنند. خیانت در کار روا نداشته و کم‌کاری نمی‌کنند، سر وقت حاضر می‌شوند و انضباط کاری دارند، در استفاده از منابع صرفه‌جو هستند و به حقوق دیگران تعدی و تجاوز نمی‌کنند با این وجود، واپایش درونی به‌دلایل زیر وضعیت متغیر و نامطمئن دارد.
- دارای استحکام ساختاری کافی نیست، زیرا ساختار این پای‌بندی بستگی زیادی به وضعیت روحی فرد در موقعیت‌های مختلف دارد؛
- در موقعیت‌های مختلف به‌میزان متفاوتی جلوه‌گر می‌شود؛
- همه‌ی افراد دارای پای‌بندی درونی نیستند؛
- تنها با تکیه بر آن نمی‌توان امیدوار بود که بتوان بر اجرای مسائل پیچیده غالب شد؛

- ماهیت و نقشه بعضی از مسائل (برنامه‌ریزی و طراحی و...) به‌صورتی است که بیشتر با تکیه بر قوانین، مقررات و استانداردها می‌توان نسبت به اجرای آن‌ها اقدام کرد و منش انسانی نیز باید در خدمت اجرای قوانین قرار گیرد؛
  - هیچ معیار و استانداردی وجود ندارد تا بتوان برحسب آن میزان پای‌بندی درونی افراد را به‌طور دقیق سنجید و سپس با تکیه بر پای‌بندی درونی افراد نسبت به حل و فصل مسائل اقدام کرد؛ زیرا هرگونه معیار و استانداردی که بتواند شعور آگاهانه انسان‌ها را تحت واپایش خود درآورد باید دارای جامعیتی فراتر از تصورات تک‌تک افراد جامعه باشد (جوکار افشار، ۱۳۸۴، ۱۹).
- در قرآن کریم که اصلی‌ترین منبع استخراج مسائل و احکام دینی است آیات فراوانی به «تقوا» توصیه کرده‌اند تقوا از ماده «وقی» یعنی حفظ و صیانت و نگه‌داری است. پس تقوا یعنی «خود نگه‌داری» که همان ضبط نفس است و متقین یعنی «خود نگه‌داران» (مطهری، ۱۳۸۰، ۱۰۴).
- بنابراین تقوا را می‌توان حالتی روحانی و معنوی (ملکه نفسانی) دانست که به‌موجب آن انسان خود را در مقابل خطا و گناه حفظ و از هر آنچه مورد غضب خداوند است دور می‌کند شهید مطهری بر این باور است که دو برداشت از تقوا وجود دارد: اول اینکه انسان برای حفظ خود از آلودگی‌ها از موجبات آن‌ها فرار کند و خود را از محیط گناه دورنگه دارد این نوع تقوا، تقوای ضعیف است نوع دوم تقوا این است که فرد در روح خود حالت و قوتی به‌وجود آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی بدهد که اگر فرضاً در محیطی قرار بگیرد که وسایل و موجبات گناه و معصیت فراهم باشد. آن حالت و ملکه روحی او را حفظ کند و مانع آلودگی‌اش شود (همان، ۲۱).
- منظور آیات و روایات، تقوای نوع دوم است. در قرآن کریم آثار و فواید بسیار مهمی برای تقوی برشمرده شده است که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:
- اگر تقوای الهی داشته باشید از آنچه خداوند شما را باز داشته است (خود نگه‌دار باشید) خداوند به‌شما قدرت تمیز و تشخیص می‌دهد (انفال، آیه ۲۹).

- هرکسی که تقوای الهی داشته باشد، خداوند برای او راه بیرون شدن از تنگناها و شداید را قرار می‌دهد (طلاق، آیه ۲).
- هر کس که تقوای الهی داشته باشد، خداوند یک نوع آسانی در کار او قرار می‌دهد (طلاق، آیه ۴).

بنابراین، نظام واپایش درونی در اسلام یا به عبارتی «خودپایی» بسیار قوی‌تر از واپایش بیرونی است همین امر، مسلمانان راستین را حتی با نبودن واپایش بیرونی، به دوری از گناه و لغزش فرا می‌خواند، امام علی(ع) در این باره می‌فرمایند:

خدا رحمت کند کسی را که مراقب امر پروردگارش باشد و از گناه خویش بترسد (نهج‌البلاغه، خطبه ۷).

در خطبه ۹۰ نهج‌البلاغه توصیف کامل ویژگی‌های متقین آمده است. امام علی (علیه‌السلام) توصیه فرمودند که انسان برای یاری و کمک به خود مراقبت از درون داشته باشد و بداند کسی که از طریق خودش پند نهد و بازدارنده‌ای را برای نفسش به یاری نگیرد، از بیرون واعظ و یا اجری برایش نخواهد بود، یا در جایی دیگر فرموده‌اند: «اجعل من نفسی علی نفسی رقیب» از خودت مراقبتی بر خویشتن قرار ده (عبدالواحد آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ح ۲۴۲۹).

مراقبت و واپایش خویشتن، محدود و محصور به موارد خاصی نبوده و همه عرصه‌های زندگی را در برمی‌گیرد و نمی‌توان چنین ادعا کرد که مراقبت در خصوص واپایش غرایز درونی و به اصطلاح رعایت اخلاقیات، مراد است زیرا در اصطلاح اهل فن، روایت مطلق بوده و مقید به مورد خاصی نیست. از این رو در سازمان نیز این دستور می‌تواند سرلوحه کاری کارکنان قرار گرفته، آنان را موظف به خودپایی کند. امام سجاد (علیه‌السلام) فرمودند: «ای فرزند آدم، تو همواره در مسیر خیر و خوبی قرار داری، مادامی که واعظی از درون داشته باشی و مادامی که حسابرسی خویشتن از کارهای اصلی تو باشد». این سخن گرچه عام است و تمام شئون زندگی را در

برمی‌گیرد، لیکن مصداق بارز آن، محیط کاری می‌تواند باشد. آن هم مکان‌ها و موقعیت‌هایی که اسباب گناه و تخلف در کار فراهم باشد.

مقام معظم رهبری و فرماندهی معزز کل قوا (مدظله‌العالی) در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه در مورخه ۸۷/۲/۱ ضمن بیان این نکته که کار ناجا کار حساس و دقیقی است، فرمودند: باید همه، حواس را جمع کنند. دو نوع حواس جمع کردن داریم؛ یکی خودپایی است. مراقب خودمان باشیم، چون واقعاً در همه مراحل سیر کمال انسانی تا آنجا که برای ما تعریف کرده‌اند و گفته‌اند انسان احتیاج دارد به اینکه مراقب خودش باشد «والخاصون فی خطیر عظیم» اگر خود را رها کردیم و مراقبت از خودمان نکردیم خطر وجود دارد و... تقوی یعنی همین، یعنی آدم مراقب خودش باشد ... بنابراین یکی از مراقبت‌های درجه یک مراقبت خود انسان است.

اما خودحفاظتی ایجاد حالتی است در درون فرد که او را به انجام وظایفش متمایل می‌سازد، بدون آنکه عامل خارجی او را تحت نظارت و واپایش داشته باشد. هدفی که در خود حفاظتی دنبال می‌شود ارائه یک شخصیت سالم است که به بلوغ فکری رسیده است و در برابر انواع مشکلات از خود مقاومت نشان می‌دهد و خود با بینش عامل آن را انتخاب می‌کند و علاوه بر محیط کار در زندگی شغلی خود نیز خودواپایش و خود حفاظت می‌شود و این سیر ممکن نخواهد بود مگر بسترهای مناسب در فرد فراهم شود تا خود حفاظتی فرد نهادینه شود (کتولی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۲).

به تعریف دیگر خودحفاظتی را وضعیت و شرایطی گویند که یک فرد در صورت احراز آن قادر خواهد بود خود را در برابر تهدیدها و خطرهای امنیتی و حفاظتی به‌طور آگاهانه و مؤثر حفظ و صیانت نماید (بهارنی، ۱۳۸۶، ۹).

هم‌چنین خودحفاظتی را رسیدن به قابلیت که فرد با ایجاد آن در ابعاد درونی و بیرونی و قادر خواهد بود به‌صورت آگاهانه راه صحیح و روشن را از راه‌های ناصحیح تشخیص داده و با انتخاب صراط مستقیم وجود خود را (گفتار، اعمال و

رفتار) در برابر خطرات درونی (نفس اماره) و خطرات بیرونی مصون نگه دارد (کریمایی، ۱۳۸۹، ۱۷۳).

هر سازمان در جریان شکل‌گیری و حرکت خود به‌سوی اهداف تعیین‌شده‌اش، همواره با موانع گوناگونی روبه‌رو می‌شود که ممکن است باعث به انحراف کشاندن سازمان و گاه متوقف کردن آن شوند. برای جلوگیری از این انحراف‌ها و اینکه سازمان در مسیر تحقق اهداف خود گام بردارد یک مکانیزم نظارت و واپایش مبتنی بر معیارهای خاص و مشخص که حافظ بقای سازمان باشد ضروری است؛ بنابراین از وظایف مهم و اساسی یک مدیر سازمان نظارت و واپایش است که ارتباط نزدیکی با سایر عناصر مدیریت یعنی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی و رهبری دارد زیرا به‌دست آوردن نتایج مطلوب وابسته به این است که عملیات لازم برای رسیدن به اهداف مورد نظر و هم‌چنین طرق اجرای عملیات مذکور با واقع‌بینی هرچه بیشتر پیش‌بینی شده باشد نظارت و واپایش به‌شکل‌های مختلفی تعریف شده است اما به‌طورکلی عبارت از فرایندی است که مدیر یک سازمان از طریق آن میزان تطابق عملیات انجام شده را با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده می‌سنجد. از این‌رو فرایند واپایش و نظارت در برنامه‌ریزی فعالیت‌های یک سازمان، برای رسیدن به اهداف اساسی، به‌کار می‌رود و میزان پیشرفت در رسیدن به اهداف و توان مدیریت در تشخیص طرح و اصلاح برنامه را قبل از آنکه زمان آن بگذرد، نشان می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت نظارت و واپایش مقایسه‌ای بین «بایدها» و «هست‌ها» است یعنی برنامه‌ریزی درباره آنچه پیش‌بینی کرده‌ایم «بایدها» و مطلوب‌های ماست و آنچه انجام شده، هست‌ها و موجودهاست و قیاس بین بایدها، هست‌ها در واقع تأکید بر دایم و مستقر بودن نظارت و واپایش است (دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۳، ۸۱).

بحث نظارت و واپایش بر عملکرد کارکنان و زیردستان از اهمیت بالایی برخوردار است به‌طوری‌که در آیات متعددی از قرآن و هم‌چنین اخبار و روایات بزرگان درباره اهمیت آن سفارش شده است و اجرای دقیق پدیده واپایش و نظارت در تمام سازمان‌ها

به‌ویژه نیروی انتظامی که در حقیقت مسئول ایجاد نظم و امنیت، نگهداری از مرزها و خدمت‌رسانی به مردم در سطوح مختلف و چندین مأموریت متنوع دیگر است می‌تواند در سالم‌سازی محیط و افزایش کارایی مدیریت‌ها و اجرای دقیق مأموریت‌ها همراه با تأمین رضایت کارکنان نقش مؤثر و مهم داشته باشد (خدابنده لو، ۱۳۸۴، ۲).

## نتیجه‌گیری

در این مقاله محقق در ابتدا سعی نمود فرایند کنونی اجرایی نمودن تدابیر و فرمان‌های پیشگیرانه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) را مورد بررسی قرار دهد و در ادامه به ترسیم فرایند مطلوب و ایدئال اجرایی نمودن این تدابیر و فرمان‌ها بپردازد. سپس به اهم فرمان‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تخلف پرداخته شد. در بررسی این تدابیر و فرمان‌ها به ۴ مقوله مهم و تأثیرگذار یعنی؛ ۱- بسط و گسترش عدالت ۲- نظارت و مراقبت ۳- ارتقاء و تقویت تقوای الهی ۴- ایجاد فرهنگ خودپایی و خودحفاظتی تأکید گردیده بود که در بخش پایانی مقاله به مفهوم شناسی و چگونگی اجرای این ۴ محور پراهمیت در سطح نیروهای مسلح پرداخته شد. بنابراین نتیجه کلی تحقیق حاکی از آن است که:

۱. یکی از بهترین راه‌های واپایش نیروی سازمانی، تقویت وجدان کاری و باورهای دینی در کارکنان است. این رویکرد می‌تواند عمیق‌ترین واپایش‌ها را در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تخلف برقرار سازد.
۲. حفظ و صیانت از کارکنان در مقابل تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم و تخلف نیازمند رصد سازمانی و مراقبت و نظارت بر تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های بالقوه و بالفعل در سطح نیروهای مسلح است.
۳. با توجه به اهمیت مأموریت خطیر و جایگاه خاص ناجا در جامعه و نظام اسلامی، تربیت و آموزش دقیق و کارآمد یگان‌ها و رده‌های نیروی انتظامی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تخلف حائز اهمیت وافر است.

۴. یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای اجرایی نمودن تدابیر و فرمان‌ها مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تخلف در آحاد کارکنان ناجا، توجه به عدالت و جلوگیری از هرگونه بی‌عدالتی در یگان‌ها و رده‌های نیروی انتظامی است.

۵. با تحقق و تقویت فرهنگ خودحفاظتی یا خودواپاشی در بین کارکنان ناجا، این نظارت و مراقبت همگانی می‌شود و بدون هرگونه اجباری افراد و کارکنان نیروهای مسلح به مراقبت از خود در خصوص عدم ارتکاب جرم و تخلف می‌پردازند و این همان پیشگیری از وقوع جرم است.

### پیشنهادها

۱. با توجه به محورهای بارز فرمان‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یعنی؛ ۱- گسترش عدالت ۲- نظارت و مراقبت ۳- تقوا ۴- خودپایی و خودحفاظتی، پیشنهاد می‌گردد کلیه برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه از وقوع جرم و تخلف در سطح ناجا بر این ۴ محور متمرکز گردد.

۲. گستره پیشگیری از وقوع جرم و تخلف را از محدوده ظواهر خارج ساخته و آن را به متن ناجا گسترش دهند.

۳. شرایطی ایجاد گردد تا پیامدها و تأثیرات پیام‌های پیشگیرانه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در قلب و روح کارکنان جای گیرد.

۴. نهادهای مراقبتی و نظارتی آموزش‌ها و تبلیغات خود را در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تخلف با ایجاد رغبت و باور درونی ارائه و ترویج نمایند.

۵. قبل از آموزش و ارائه هرگونه راه‌کار و قواعد و مقررات پیشگیرانه، می‌بایست ابتدائاً نیاز کارکنان را به آن برانگیزانند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابراهیمیان آملی، سیدیوسف (۱۳۷۸)، *خودشناسی در تربیت اسلامی*، چاپ شهر، آمل.
۴. *ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در پیامی به ریاست جمهوری*، ۱۳۷۸/۰۳/۰۱.
۵. *ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)*، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
۶. الوانی، سیدمهدی (۱۳۶۳)، *تأملی بر ساختارهای نظارتی در جامعه*، مجموعه مقالات سازمان بازرسی، تهران.
۷. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۲)، *مدیریت عمومی*، نشر نی، چاپ ۲۳، تهران.
۸. امینی، ابراهیم (۱۳۷۲)، *خودسازی، انتشارات شفق*، قم.
۹. آمدی، عبدالواحد (بی‌تا)، *غررالحکم و درر الکلم*، انتشارات حافظ، تهران.
۱۰. بختیاری، صادق (۱۳۷۶)، *تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک*، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران.
۱۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *اندیشه هایک*، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۲ و ۱۰۴، تهران.
۱۲. بهاری‌نیا، امان‌الله (۱۳۸۶)، *خودپایی حفاظتی*، فصلنامه حفاظتی حفیظ، سال اول، شماره اول، انتشارات حدیث کوثر، تهران.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع اعضای شورای شهر و شهردار تهران، ۱۳۸۲/۰۹/۱۷.
۱۵. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع خانواده‌های شهدای هفت تیر، ۱۳۷۹/۰۴/۰۷.
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع علماء و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.
۱۷. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع قضات و اعضای دستگاه قضا، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱.
۱۸. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶.
۱۹. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت (ع)، ۱۳۸۷/۰۴/۰۴.
۲۰. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۰۴/۰۹.
۲۱. پیروز، علی‌آقا (۱۳۷۹)، *خودکنترلی در مدیریت با نگرش به منابع انسانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران.



۲۲. جاسبی، عبدالله (۱۳۸۱)، *اصول و مبانی مدیریت*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۲۳. جوکار افشار، ولی (۱۳۸۴)، *کنترل پایبندی، نشریه تدبیر*، شماره ۱۴۳، تهران.
۲۴. حسینی، سید نعمت‌الله (۱۳۷۵)، *مردان علم در میدان عمل*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۲۵. حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، *حقوق و عدالت*، نشریه نقد و نظر، شماره ۲ و ۳، تهران.
۲۶. خدابنده لو، محمد (۱۳۸۴)، *فرایند نظارت و کنترل در مدیریت پایدار*، تهران.
۲۷. خدابنده لو، محمد (۱۳۸۵)، *روش‌های مطلوب نظارت و کنترل در سازمان‌های اطلاعاتی*، پایان‌نامه کارشناسی حفاظت اطلاعات، تهران.
۲۸. خیری، طاهر (۱۳۸۲)، *خودکنترلی در سازمان*، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۳۷، تهران.
۲۹. دانش حساسرسی (۱۳۷۳)، *دیوان محاسبات*، تهران.
۳۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۶)، *انتشارات دانشگاه تهران*، تهران.
۳۱. ری‌شهری، محمدمهدی (بی‌تا)، *میزان الحکمه*، تهران.
۳۲. سجادی، سیدجعفر (۱۳۶۱)، *فرهنگ علوم عقلی*، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران.
۳۳. شیری، عباس (۱۳۸۶)، *نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم*، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲، پلیس پیشگیری ناجا، تهران.
۳۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۱)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دارالکتب اسلامی، تهران.
۳۵. عامری، سیدعبدالوهاب بن محمد (بی‌تا)، *تضییف الغرر*، به نقل از مصطفی درایتی، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم.
۳۶. کنولی‌نژاد، خدابخش (۱۳۸۶)، *درآمدی بر خودحفاظتی مدیران*، تهران.
۳۷. کریمایی، علی اعظم (۱۳۸۹)، *شیوه‌های ارتقای خودکنترلی و خودحفاظتی در مواجهه با جرائم امنیتی و غیرامنیتی*، فصلنامه حفیظ، سال سوم، شماره ۱۰، انتشارات حدیث کوثر، تهران.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، *اصول کافی*، دارالکتب اسلامی، تهران.
۳۹. لنگرودی، جعفر (۱۳۶۲)، *مقدمه عمومی علم حقوق*، انتشارات گنج دانش، تهران.
۴۰. محدث نوری (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل*، موسسه آل بیت، جلد ۱۱، قم.
۴۱. مختاری، رضا (بی‌تا)، *سیمای فرزندگان*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۴۲. مصطفوی، فریده و دیگران (۱۳۸۰)، *روش خودسازی*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *ده گفتار*، انتشارات صدرا، تهران.

۴۴. معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، جلد دوم، تهران.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (بی تا)، تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامی، تهران.
۴۶. موسوی الخمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، شرح چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، تهران.
۴۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰)، تقریرات درس جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.